جرج ارول

آرام بختياري

جرج ارول،نويسنده انگليسي،خالق دو رمان "مزرعه حيوانات" و "اوتوپي 1984" است. كتاب مزرعه حيوانات او درباره ديكتاتوري استالينيستي و رمان اوتوپي 1984، او پيرامون فاشيسم هيتلري است. جرج ارول 47 ساله بود كه درسال 1950 بدليل بيماري سل وجراحات ناشي از جنگ درگذشت. اودرسال 1903 در شهر مطهري در بنگلادش امروزي بدنيا آمد. پدر و مادرش انگليسي تباربودند كه به خدمت نيروهاي استعماري انگليس در شبه قاره هند درآمده بودند. نام اصلي او، اريك بلير است.اودر 30 سالگي نام ارول را كه اسم رودخانه اي در بريتانيا است،براي خودبرگزيد. جرج ارول درجواني مدتي پليس نيرو هاي انگليس دركشور برمه بود،ولي بعد ازچندي بدليل اعتراض به سياست استثمارگرانه انگليس و نوشتن رمان "روزهاي برمه اي" اخراج گرديد.

گرچه ارول خودرا سوسياليست آزاديخواه ميدانست، چپها ولي اورا تروتسكيست ناميدند. سنت گرايان وناسيوناليستهاي انگليس اورا سوسياليستي بدبين وناامید بشمار مي آوردند كه دردي از خواسته هاي ملي انگليس حل نخواهد كرد.درجنگ داخلي اسپانيا اودركنار تروتسكيستهاي ايالت كاتالوني عليه فاشيسم جنگيد ولي بعداز 6ماه مجروح شد وبعداز بازگشت به انگليس كتاب "كاتالوني من" را منشر كرد.

جرج ارول را ميتوان يكي از مدافعان وسخنگويان قربانيان فاشيسم و توتاليتاريسم قرن گذشته دانست.ارول كوشيد بعد از جنگ،درآثارش زيباشناسي هنري وادبي را با سياست انتقادي باهم بياميزد.او روزنامه نگار،رمان نويس و نويسنده اي سياسي بود كه رماناي اجتمايي-انتقادي نوشت. آثار اورا گروهي ازصاحبنظران،دماسنجي براي اعلان اخطار به شخصيت پرستي وقدرت طلبي درسياست بشمار مي آورند. ارول گزارشهايي نيزدرباره مناطق صنعتي شمال انگليس تيه كرد وبه انتقاد ازفرهنگ صنعتي پرداخت كه به نظر او باعث فلج كردن آگاهي هاي كارگران ميشود. او مينويسد در حكومتهاي توتاليتر تمامتگرا روشنفكران را يا به قتل ميرسانند يا به سكوت وادار مي نمايند يا اينكه آنا را مجبور ميكنند تا استعدادهاي خودرا بفروشند.

ارول به دليل انجام شغلهاي موقتي مانند ظرفشويي وغيره در انگليس و فرانسه، با كارگران و افشار پايين جامعه از نزديك آشناشد. بعد از جنگ ،اومدتي دربخش برنامه هندي راديو بي بي سي نيز مشغول فعاليت فرهنگي شد. در رمان مزرعه حيوانات ،او به انتقاد از روشنفكراني مي پردازد كه بعداز بقدرت رسيدن،اصول اخلاقي وانقلابي رازير پا ميگذارند و مثل حاكمان قبلي فاسد و مبتذل ميشوند. در دوره جنگ سرد بين كمونيسم و سرمايه داري،به علت تبليغات بورژوازي و امپرياليسم، رمان مزرعه حيوانات اوبه شهرت جهاني رسيد.

رمان ديگر مشهور او، اوتوپي 1984 بود كه درسالهاي بعد از جنگ جهاني دوم نوشته شده.اين كتاب رماني است طنزآميز و آينده نگر. در اين كتاب او به پيش بيني رژيمهاي تمامتگرا و توتاليتري ميپردازد كه احساسات وآگاهي انسانا را دستكاري ميكنند وغريزههاي مهم و طبيعي انسان مانند عشق و همدردي را فلج مي نمايند. قهرمانان غالب آثار او از افشار پايين جامعه ميباشند كه براي فرار از فشار سرمايه داري به رمانتيك خيالي گذشته پناه ميبرند. منتقدين چپ تضادهاي شخصي و دروني ارول را محصول شرايط زندگي تاريخي او ميدانند. او فرزند دوره استعمار،استثمار واستحمار انگليس بود كه دررشبه قاره هند بدنيا آمد ،سوسياليست شد،عليه فاشيسم جنگيد،از استالينيسم سرخورده گرديد، در جنگ مجروح شد و سرانجام به دليل ابتدا به بيماري سل وساير ناگواريها در ميانسالي درگذشت.

عده اي هم آثار اورا پيش بيني اوضاع نميدانند بلكه اورا مبلغ ياس و ناامیدي وسرخوردگي از سوسياليسم بعد از جنگ دانننـــدىم . اوبقول خودش هميشه جوياي حقيقت بود و ميدانست كه آزادي و عدالت فقط در زير چتر حقيقت قادر به ادامه زندگي هستند. گروهي ديگر اورا يك شورشي ميدانند تا يك انقلابي، چون يك انقلابي گاهي بدليل نياز بايد باديگران همكاري ياسازش كند تابقدرت برسد، ولي يك شورشي درتمام شرايط مبارزه ،رفتار سركش خودرا حفظ مي نمايد.

جرج ارول چنان ناامید شده بود كه ميگفت : كشورم ؛ چه چپ،چه راست،درفلاكت مردم تغييري پيش نخواهد آمد. او از ديكتاتورهايي شكايت ميكرد كه حتا مهاجرت دروني روشنفكران رانيز تاب نمي آورند وآنا را تعقيب مي نمايند. ارول مي نويسد، ايمان به خدا براي فلك زده گان نشان، ضعف نيست، وجود مذهب زماني غيرضروري است كه دشمن ديگر نياز به ريختن اشك رنجبران نداشته باشد.

Aramy@web.de ==========